



حکومت ساسانیان

موسیقی در ایران باستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۷ مهر ۱۳۹۲ - ۷ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

موسیقی در ایران باستان ایرانیان از همان دورانی که با سایر هم‌نژادان خود یعنی طوائف آریائی در آغوش دشت و دمن بسر میبردند با نغمه‌های جانبخش موسیقی و خواندن سرود و عبارات منظوم، آن کشش و سروری را که دیدار مناظر دلپذیر طبیعت و آسمان صاف و نیلگون و رنگهای گوناگون افق، در هر پگاهی و شامگاهی بوجود میآورد، نمودار میساخته اند. انگیزه‌هایی را که زیبائی و فریبندگی‌های این زندگی بی بند و بار و آزاد، در آغوش طبیعت، برای این مردم بوجود میآورد و با آهنگهای دلنواز غمزدا از دهان آنها بیرون میآمده، تاریخ در اثر ن



موسیقی در ایران باستان

ایرانیان از همان دورانی که با سایر هم‌نژادان خود یعنی طوائف آریائی در آغوش دشت و دمن بسر میبردند با نغمه‌های جانبخش موسیقی و خواندن سرود و عبارات منظوم، آن کشش و سروری را که دیدار مناظر دلپذیر طبیعت و آسمان صاف و نیلگون و رنگهای گوناگون افق، در هر پگاهی و شامگاهی بوجود میآورد، نمودار میساخته اند. انگیزه‌هایی را که زیبایی و فریبندگی‌های این زندگی بی بند و بار و آزاد، در آغوش طبیعت، برای این مردم بوجود میآورد و با آهنگهای دلنواز غمزدا از دهان آنها بیرون میآمده، تاریخ در اثر نداشتن خط نتوانسته است آنها را ضبط نماید. اگر هر آینه ضبط شده بود، امروز ما از نحوه اندیشه و احساسات و تألمات آنان گنجینه‌های گرانبهائی داشتیم و لازم نبود به حدس و مظنه متوسل شویم. همانطور که بقایای آثار هنریشان، گنجینه‌های فرهنگی ارزنده و جالب را برای ما بیادگار گذارده است.

وجود قطعات مسجّع و منظومی در ریگ ودا و اوستا، دو اثر دینی و ادبی کهن آریای هند و ایران و موسیقی و رقص رایج در میان هندیان که از تشریفات مذهبی آنان بوده است، بخوبی وجود و اهمیت این هنر را در قبائل آریائی نمودار میسازد. یک بخش مهم از اوستا «گائاهها» مشتمل بر نیایش و سرودهای مذهبی است که با آهنگهای مخصوص و تشریفات ویژه ای هنگام نیایش اهورمزدا خوانده میشد، و سرودهای اوستا برای پذیرش حافظ مردم که از خط و سواد بی بهره بوده‌اند، آسان و موزون بوده و بعلاوه مفاهیم گفته‌ها هنگامی که منظوم و با آواز ادا میشد، در دلها بیشتر اثر میکرده است.

از تاریخ موسیقی ایران در ادوار خیلی دور و حتی در دوره هخامنشی و اشکانی همانطور که گفته شد بواسطه در دست نبودن مدارک، مانند بعضی دیگر از تمدن این سرزمین، اطلاعات کافی و موثقی در دست نیست و همچنان تاریک و مبهم مانده است، ولی با در نظر گرفتن تمدن نژادی و ارتباط با تمدن سایر کشورهای همسایه و تابعه که فی الجمله اشاره ای بدانها شد، میتوان تصور کرد که نوازندگان و خوانندگان و موسیقی دانانی داشته اند و با در نظر

گرفتن ذوق و استعداد سرشار ایرانیان که بوجود آورنده کاخهای عظیم که از زیبایی و شکوه و هنر و تزئینات سرآمد کاخهای زمان خود و پیش از آن بوده اند، به پیشرفت آنان در این فن نیز میتوان معتقد و مطمئن شد، منتها همانطور که هم اکنون گاهی نوازندگان قطعاتی میسازند و هنرنمایی مینمایند در حالی که از اصول و قواعد علمی این فن اطلاعات کافی ندارند، در گذشته هم تصور می‌رود که چندان مقید باجراء قواعد و ارتباط اصوات و الحان نبوده اند.

قسمتی از اطلاعات ما را در این باره روایات تاریخ نویسان یونانی و گفته‌های شاهنامه فردوسی و کتابهای دینیو مختصری از اشیاء و آلات موسیقی که احياناً در کاوشها بدست آمده، تشکیل میدهد. هرودوت تاریخ نویس یونانی مینویسد: «ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی بخدا و مقدسات خود مذبج ندارند و آتش مقدس روشن نمیکند، بر قبور شراب نمی‌پاشند، ولی یکی از موبدان حاضر میشود و یکی از سرودهای مقدس دینی را میخواند.» شاید مقصود هرودوت همان قطعات گاتاهای اوستا بوده است.

گزنفن تاریخ نویس دیگر یونانی نوشته است: «کوروش بزرگ هنگام حمله به سپاهیان آشور بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدائی بلند توأم با ادب و احترام دنبال آنرا خواندند، و چون سرود بپایان رسید، آزادمردان با گامهای برابر، با نظم و ترتیب تمام براه افتادند.» در جای دیگر مینویسد: «کوروش برای حرکت سپاه چنین دستور داد که صدای شیپور، علامت حرکت و عزیمت خواهد بود و همینکه صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان حاضر باشند و حرکت کنند.» و همچنین مینویسد، «در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و کوچ کردن بلند شد کوروش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلو صفوف منظم سپاهیان قرار گیرد.

بعد کوروش گفت همینکه بمحل مقصود رسیدم و حملات دو سپاه نزدیک شد، سرود جنگی را میخوانم و شما بی درنگ پاسخ مرا بدهید.» هنگام حمله چنانکه گفته بود کوروش سرود جنگ را آغاز کرد و سپاهیان همگی با وی هم آواز شدند. سایر تاریخ نویسان یونانی نوشته اند که: «پادشاهان ایران هنگامی که بر خوردن طعام می‌نشستند، دسته ای از کنیزان به خنیاگری مشغول میشدند و رامشگری میکردند و می‌رقصیدند، نوازندگان و خنیاگران کشورهای تابعه چون بابل و هند و مصر در دربار بوده اند و بطوریکه نوشته اند در جنگ «ایسوس» پس از شکست داریوش سوم سیصدو بیست زن نوازنده ضمن اسیران بدست پارمنیون سردار اسکندر افتاد. آتنه مورخ قرن سوم میلادی از قول دوریس تاریخ نویس قرن چهارم پیش از میلاد، درباره تشریفات جشن مهرگان نوشته که: «در ان جشن در حضور شاهنشاه نوازندگان و خوانندگان به نوازندگی میپرداخته اند.»

در سال ۱۳۳۶ خورشیدی، ضمن کاوشهای باستان شناسی پیرامون آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی در تخت جمشید یک شیپور بلند فلزی که اینک در موزه تخت جمشید نگاهداری میشود، بدست آمد. بلندی این شیپور ۱۲۰ متر و قطر دهانه آن پنجاه سانتیمتر میباشد. این نوع شیپور را در قدیم «کرنا» یا «کارنای» یعنی (نای جنگی) مینامیده اند که هنگام جنگ بکار میرفته است. کار یعنی جنگ (کارزار از همین واژه است) و نای همان نی میباشد.

در دوران قدیم و عهد هخامنشی دو دسته آلات موسیقی معمول بود: بعضی برای رزم و پاره ای جهت بزم. سازهای رزمی عبارت بوده است از کوس، کرنا، نی، شیپور، سنج و درای. فردوسی در شاهنامه بچند نوع آن اشاره کرده است:

جهان پر شد از ناله کرنای

تبیره بر آمد بهر دو سرای

تبر خون و شب گون و زرد و بنفش

همی آسمان بر زمین داد بوس

همی کوه را دل برآمد زجای

هوا تیره گشت از فروغ درفش

برآمد دو نای و آوای کوس

زاواز شیپور و زخم درای

\\

تبیره زنان برگرفتند راه

خروشیدن سنج و هندی درای

خروشی برآمد ز ایران سپاه

بابر اندر آمد دم گرنای

\\

تبیره برآمد بهر دو سرای

همی آسمان آندر آمد زجای

بدانگه که لشگر بجنبد ز جای

زبس ناله بوق و کوس و درای

پادشاهان و امیران و سران قوم و سپاه پس از هر جنگی و هنگام صلح و صفا مجالسی میآراستند که خالی از می و جام و خواننده و نوازنده و رامشگر نبوده است، همانطور که فردوسی گفته:

بر آسود از رنج تن، دل زکین

می و جام و رامشگران خواستند

ز راهش جهان پرز آوای نوش

سر سال نو هرمز فرودین

بزرگان بشادی بیاراستند

به فرمانش مردم نهاده دو گوش

درباره مجلس بزم فرویدون فرموده است:

که دو آلت بزم شاهی بجوی

به پیمان جام و برآوای خوان

بدانش همه دل زدای من است

چنان چون سزد در خور بخت من

بکرد آنچه گفتنش بدور رهنمای

هم اندر خورش با گهر مهتران

بفرمود شاه آفریدون بدوی

نبیدآر و رامشگران را بخوان

کسی کو برامش سزای من است

بیار انجمن کن بر تخت من

سخن را چو بشنید از کدخدا

می روشن آورد و رامشگران

گاهی برای فتح و فیروزیها و ترغیب شاهان بکشور گشائی و سرکوبی شورشیان، همین خوانندگان و سرودسازان و سرود خوانان، نقش مهمی را ایفا میکرده اند که در اشعار فردوسی منعکس می باشد. از آنجمله تشویق و ترغیب کاوس است برای فتح مازندران. خواننده و نوازنده در این سرود، پرده زیبایی از آب و هوا و چهار فصل معتدل و خواسته ها و مواهب این سرزمین شاداب در ذهن شاه مجسم میسازد:

برآورد مازندرانی سرود

همیشه برو بومش آباد باد

نه گرم و نه سرد و همیشه بهار

همیشه پر از لاله بینی زمین

همه ساله باز شکاری بکار

همه نامداران زرین کمر

بکام از دل و جان خود شاد نیست

به بربط چوبایست برخاست رود

که مازندران شاه را یاد باد

هوا خوش گوار و زمین پرنگار

دی و بهمن و آذر و فرودین

همه ساله خندان لب جویبار

بتان پرستنده با باغ و رز

کسی کاندران بوم آباد نیست

در شاهنامه منعکس است که وقتی بیژن داخل چادر منیژه میشود، نوازندگان را می‌طلبد و میگساری میکند و نوازندگان ایستاده بربط و چنگ مینوازند و آوازه میخوانند. منیژه جوان را بکاخ خود میخواند و از نو جشنی بر پا میسازد که در آن ششصد غلام، رباب میزدند و آواز میخواندند و می در جامها میریخته اند.

کریستن سن از قول شاهنامه فردوسی نقل کرده که: «می و موسیقی نیروی تازه ای بفر برای نوشتن میدهد

همچنین این نوشته ها توصیه می شود:

موسیقی در شرق وایران (اینجا کلیک کنید)

موسیقی در ایران باستان 1 (اینجا کلیک کنید)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «موسیقی در ایران باستان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1371/pdf/2-موسیقی-در-ایران-باستان-2.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵